



انتخابات ریاست جمهوری آمریکا؛ مسائل و چشم انداز

گروه مطالعات بین الملل

اشاره:

کارزار سنگین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بالاخره در ۸ نوامبر / ۱۸ آبان به پایان رسید و برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها و نظرسنجی‌ها، شگفتی‌های این انتخابات تکمیل شد و شگفتی‌ساز آن، یعنی دونالد ترامپ، به‌عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا برگزیده شد. این نوشتار، به بررسی چرایی پیروزی ترامپ و پیامدهای احتمالی آن بر مسائل ایالات متحده آمریکا می‌پردازد.

مقدمه

به عقیده بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران، انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا، یکی از شگفت‌انگیزترین انتخابات ریاست جمهوری این کشور در همه دوران‌هاست. از همان ابتدای شروع کارزارهای درون‌حزبی، دو پدیده ظهور کرد؛ دونالد ترامپ از منتهی‌الیه طیف جمهوری خواه و برنی سندرز از منتهی‌الیه حزب دموکرات. هر دو نیز با شعارهای بزرگ و پوپولیستی پا به عرصه گذاشتند. ظهور این دو پدیده را کمتر کسی از قبل پیش‌بینی کرده بود و بنابراین، بسیاری از بحث‌ها و تحلیل‌ها به این سمت رفت که چرا چنین شده است و در جامعه‌ای مانند آمریکا، که به ادعای آمریکایی‌ها، «شهری آرمانی بر روی تپه‌ای» است که باید نور آن بر جهان بتابد و آن را متمدن کند، چنین اتفاقی رخ داده است؟ در ابتدا، هر دو حزب تلاش کردند آن‌ها را مهار کنند. جمهوری خواهان امید داشتند افراد ریشه‌داری مانند جب بوش، تد کروزر، مارکو روبیو، جان کیسیچ یا حتی دیگر نامزدها مانند بن کارسون و... بتوانند در

نهایت ترامپ را شکست دهند و او را از میدان به در کنند. دموکرات‌ها نیز بر این باور بودند که هیلاری کلینتون شناخته‌شده و باتجربه به راحتی سندرز را شکست می‌دهد و نامزد نهایی حزب در رقابت پایانی می‌شود. محاسبات از هر دو سو اشتباه بود. ترامپ رقابتی درون‌حزبی را یکی پس از دیگری شکست داد و در پایان، سه برابر نفر دوم پس از خود، یعنی تد کروزر، دلگت کسب کرد (۱۴۴۱ به ۵۵۱) و به این ترتیب، نامزد نهایی حزب جمهوری خواه شد. از آن سو نیز برنی سندرز بسیار قوی ظاهر شد و اقبال زیادی در بین طیف‌های مختلفی از طرفداران حزب دموکرات پیدا کرد. وی توانست بیش از ۱۳ میلیون رأی کسب کند (یعنی در حدود سه میلیون کمتر از کلینتون) و در دلگت‌ها نیز به کلینتون نزدیک شد (۱۸۶۵ به ۲۸۴۲)؛ که البته بخش قابل توجهی از دلگت‌های کسب‌شده توسط کلینتون، سوپردلگت‌ها بود. سوپردلگت‌ها نه از طریق رأی مردم، بلکه توسط کمیته ملی حزب انتخاب می‌شوند. در شرایطی که میزان سوپردلگت دموکرات‌ها بسیار زیاد است (۷۱۲ رأی معادل ۱۵ درصد آرای کنوانسیون حزب)، برخی معتقدند با توجه به اینکه کنوانسیون حزب دموکرات تمام قد از کلینتون حمایت کرد و حتی برای شکست سندرز کوشید، سوپردلگت‌های حزب دموکرات نا عادلانه در سبد کلینتون افتادند و همین، در شکست سندرز نقش مهمی داشته است.

به هر حال، شکست پدیده سندرز نیز به راحتی اتفاق نیفتاد و شاید اگر کنوانسیون حزب دموکرات بی‌طرفانه‌تر عمل می‌کرد، سندرز می‌توانست کلینتون را شکست بدهد و در نهایت، نامزد حزب



به دموکرات‌ها اقبال نشان دهند و در دوره‌ای دیگر به جمهوری خواهان. فلوریدا، میشیگان، پنسیلوانیا، ویسکانسن، آیوا و کارولینای شمالی از جمله این ایالت‌ها هستند، که در دوره قبل به اوباما رأی دادند، اما در این دوره به سوی نامزد جمهوری خواهان گرایش پیدا کردند.

چرایی پیروزی ترامپ

چون پیروزی ترامپ غیرمنتظره بود، بعد از آنکه نتایج انتخابات مشخص شد، هم در آمریکا و هم در سطح جهان، بسیاری شوکه شدند و در پی پاسخ به این سوال برآمدند که چرا چنین اتفاقی رخ داده است؟ تحلیل‌ها و اظهارنظرهای گسترده‌ای تا کنون در این مورد انجام شده است و هر کسی از منظرهای متفاوت به این قضیه پرداخته است. برخی روی بُعد جامعه‌شناختی مسئله تأکید کرده و تلاش نموده‌اند پایگاه رأی ترامپ و ظهور و بروز آن را تحلیل کنند. مسئله هویت یکی از نکاتی است که در این رویکرد مد نظر قرار گرفته است. بحث‌ها در این باره بر این است که بخش‌هایی از جامعه آمریکا، به‌ویژه سفیدپوستان آنگلو ساکسون پروتستان^۱، احساس می‌کنند به دلیل گسترش تعداد مهاجران و به‌ویژه تشدید فرآیند جهانی شدن، هویت و سنت‌های آمریکایی در معرض خطر قرار گرفته است. در چنین شرایطی، آن‌ها به ترامپ که از جایگاه راست افراطی شعار می‌داد، اقبال نشان دادند و به‌طور جدی پای نامزد مورد حمایت خود ایستادند. این در حالی است که طرفداران کلینتون عمدتاً کسانی بوده‌اند که هویت برای‌شان چندان مسئله مهمی نبوده و قاطعانه از نامزد مورد قبول خود حمایت نکردند. زن بودن کلینتون و تمایلات مردسالارانه جامعه آمریکا نیز در این رویکرد مطرح است. عده‌ای از منظر روان‌شناسی به بررسی شخصیت و تمایلات ترامپ و گروه‌هایی که به وی رأی دادند، روی

دموکرات شود؛ که در این صورت، شگفتی‌های بیشتری ایجاد می‌شد و حتی برخی معتقدند ممکن بود سرنوشت انتخابات به گونه دیگری رقم بخورد.

پیروزی شگفت‌انگیز ترامپ

پیروزی ترامپ بر کلینتون شگفت‌انگیز بود؛ چون کمتر کسی آن را پیش‌بینی می‌کرد. تقریباً تمامی نظرسنجی‌ها و تحلیل‌ها نشان می‌داد که کلینتون می‌تواند به راحتی ترامپ را شکست بدهد. حتی خود دموکرات‌ها نیز به نظر می‌رسید از اینکه در برابر ترامپ و نه جمهوری خواه ریشه‌دارتری مانند کروزر، روبیو یا کیسیج قرار گرفته‌اند، خوشنودند. آن‌ها ترامپ را حریف آسانی می‌دانستند که با شعارها و حماقت‌های پوپولیستی خود، در نهایت خودش رقیب خودش خواهد بود و بنابراین، پیروزی را کاملاً در دسترس می‌دیدند. شاید یکی از دلایلی که دموکرات‌ها در مرحله انتخابات درون‌حزبی، شکست سندرز را رقم زدند، تصور غلبه آسان کلینتون بر ترامپ بود. آن‌ها فکر می‌کردند کلینتون در رقابت با ترامپ، با سابقه‌ای که در سیاست دارد و در مواردی به‌ویژه در سیاست خارجی نیز نزدیک به جمهوری خواهان است، به آسانی می‌تواند ترامپ را، که مورد حمایت طیف قابل توجهی از سران و مقامات حزب جمهوری خواه نبود، شکست دهد. اما به هر حال، بسیاری از محاسبات، نظرسنجی‌ها و پیش‌بینی‌ها اشتباه درآمد و در نهایت، این ترامپ بود که پیروز میدان شد. ترامپ و کلینتون به ترتیب ۳۰۶ و ۲۳۲ رأی الکترال به دست آوردند.

ترامپ در ۳۰ ایالت به علاوه بخش دوم انتخاباتی ایالت مین^۱ پیروز شد و کلینتون در ۲۰ ایالت به علاوه واشینگتن دی‌سی، رأی‌ها را از آن خود کرد. البته در بخش آرای مردمی، کلینتون درصد بیشتری از آراء را کسب کرد. آخرین اخبار از شمارش آراء حاکی از آن است که نامزد دموکرات‌ها بیش از یک میلیون «رأی مردمی» بیشتر از نامزد جمهوری خواهان به دست آورده است. ولی به هر حال، چون سیستم انتخاباتی ایالات متحده، الکترال است و رئیس‌جمهور با آراء مستقیم مردم انتخاب نمی‌شود، آراء بیشتر لزوماً به معنای پیروزی نیست و کسب الکترال‌های بیشتر، تعیین‌کننده شخص پیروز محسوب می‌شود. در آمریکا معمولاً مشخص است که ایالت‌های مختلف به کدام یک از دو حزب بزرگ آمریکا گرایش دارند. با وجود این، برخی از ایالت‌ها که از آن‌ها با عنوان Swing state یاد می‌شود، حالت نوسانی داشته و رفتار یا الگوی ثابتی در رأی‌دهی ندارند. ممکن است در دوره‌ای

۱. Maine's 2nd congressional district: بخشی از ایالت مین که یک بخش انتخاباتی مستقل محسوب می‌شود و یک نماینده جداگانه در مجلس نمایندگان دارد.

1. white Anglo-Saxon Protestant



شرایطی، وقتی کسی شعار می‌دهد که تجارت آزاد را محدود می‌کند؛ تعرفه‌های بیشتری بر واردات وضع می‌کند؛ جلوی خروج سرمایه‌ها و انتقال شرکت‌ها به خارج را با ایجاد محدودیت‌هایی می‌گیرد، تا آن‌ها در خاک آمریکا تولید کنند و به این ترتیب، فرصت‌های شغلی بیشتری برای آمریکایی‌ها ایجاد شود؛ زیرساخت‌های آمریکا را بازسازی می‌کند و از رهگذر آن شغل‌های بسیاری ایجاد خواهد کرد؛ هزینه‌های سیاست خارجی را کاهش می‌دهد و از دادن سواری مجانی به دیگران، حتی دوستان و متحدان ایالات متحده آمریکا، پرهیز می‌کند؛ مسائل محیط‌زیستی را نادیده می‌گیرد و تولید را حتی به‌ضرر محیط‌زیست افزایش می‌دهد؛ و مهاجران را بیرون می‌اندازد، از سوی گروه‌هایی که این عوامل را دلیل مشکلات خویش می‌دانند، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. از منظر سیاسی هم به بحث چرایی انتخاب دونالد ترامپ پرداخته شده است. در این مورد، عمدتاً به بحث تنفر و بدبینی اکثریت جامعه آمریکا از تشکیلات سیاسی این کشور اشاره می‌شود؛ تشکیلاتی که در این انتخابات، ترامپ علیه آن شورید و وعده داد با آن مقابله خواهد کرد، در حالی که هیلاری کلینتون به‌عنوان نماینده یا نامزد این تشکیلات شناخته می‌شد.

در چنین شرایطی، کلینتون نه چندان محبوب، نماد وضعیت موجود و حفظ آن تلقی می‌شد و ترامپ نماد تغییر در وضعیت موجود. بنابراین، طبیعی بود همه کسانی که به دلایل مختلف ناراضی و مخالف وضع موجود بودند، به سمت کسی بروند که شعارهایش عمدتاً در این راستا بود. نکته مهم اینکه همیشه مخالفان وضعیت موجود و هواداران تغییر، بیش از طرفداران وضع موجود در مورد تلاش برای رسیدن به هدف خود مصر هستند و در راستای هدف خود تلاش می‌کنند. در واقع، طرفداران وضع موجود ممکن است بی تفاوت‌تر باشند و چون وضع موجود را برای خویشتن مناسب می‌بینند، احتمال دارد کمتر برای حفظ آن تلاش کنند. این در حالی است که طرفداران تغییر، چون منافی در تغییر اوضاع دارند یا وضع موجود را تهدیدی علیه خود می‌بینند، معمولاً عطش بیشتری در پیگیری تغییر و تحول در نظم یا وضع موجود دارند و از راه‌های مختلف برای رسیدن به هدف خویش کوشش کنند. بنابراین، به‌نظر می‌رسد مسئله اصلی این نیست که هواداران ترامپ بیشتر از طرفداران کلینتون بوده‌اند، در حالی که در عالم واقعیت هم این‌گونه نبوده و همان‌گونه که اشاره شد کلینتون یک میلیون رأی بیشتر داشته است، بلکه بحث این است که طرفداران تغییر مانند همیشه و هر جای دیگری، بیشتر پای کار بوده و تلاش کرده‌اند به هدف خود دست یابند. بر اساس نظرسنجی گالوپ، در مجموع جمهوری‌خواهان بیش

آورده‌اند. اینها عمدتاً به سواد پایین پایگاه رأی یا هواداران ترامپ و ناتوانی آن‌ها در تحلیل مسائل و در نتیجه، جذب شدن آن‌ها به اظهارات پوپولیستی ترامپ پرداخته‌اند. شخصیت ترامپ، به‌ویژه بحث صراحت لهجه وی در بیان برخی از مسائل، که به‌نوعی «تابو» محسوب می‌شدند و قبلاً از بیان آن‌ها در منظر عمومی دوری می‌شد، نیز در این میان مطرح است. برخی دیگر معتقدند مشکلات اقتصادی و به‌ویژه رکودی که سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ بر اقتصاد آمریکا و جهان سایه افکنده است، به‌رغم اینکه مهار شده، اما اثرات جانبی آن هنوز قربانی می‌گیرد و طیف‌ها و گروه‌هایی مختلفی نه تنها در آمریکا بلکه در جاهای دیگر مانند اروپا هنوز نتوانسته‌اند خود را احیاء کنند. در این مرحله گذار از رکود به رونق، ممکن است افراد و گروه‌هایی جذب شعارهای پوپولیستی شوند. نکته دیگری که در بحث تأثیر عوامل اقتصادی در برآمدن ترامپ مطرح می‌شود، تأثیری است که جهانی شدن تجارت آزاد و فاصله گرفتن هر چه بیشتر فعالیت‌های اقتصادی از حالت «کاربر» و متکی بر نیروی کار به «سرمایه‌بر» و متکی بر تکنولوژی‌های جدید، بر گروه‌هایی به‌ویژه کارگران در ایالات متحده گذاشته است. در واقع، این تحولات عمدتاً ناشی از وابستگی متقابل گسترده و پیچیده جهانی به‌ویژه در حوزه اقتصاد و گذار از عصر صنعتی شدن به عصر انقلاب اطلاعات و به‌کارگیری تکنولوژی‌های ارتباطی و هوشمند در اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی است. به هر حال، این تحولات باعث شکاف گسترده‌تر در ثروت و فقر بیشتر در آمریکا شده است.

همچنین گروه‌هایی در آمریکا، مهاجران را عامل مشکلات اقتصادی خود می‌دانند و معتقدند این طیف بازار کار و اشتغال کشورشان را اشغال کرده‌اند؛ در حالی که پدران‌شان هیچ زحمتی برای ساختن آمریکا نکشیده‌اند و تنها به‌اصطلاح، آماده‌خوری می‌کنند. در چنین



به این زودی از مرکز توجهات خارج شود و این نیز عمدتاً به لطف رسانه‌هاست؛ که به دنبال سوژه هستند و نمی‌خواهند سوژه‌ای به بزرگی رئیس‌جمهور قدرتمندترین کشور جهان را از دست بدهند. پس حتی اگر ترامپ بخواهد لباس دوران کارزار انتخاباتی خود را بیرون آورده و در پوشش یک رئیس‌جمهور متین و با وقار ظاهر شود، باز هم به خاطر تصویری که از وی ایجاد شده یا ساخته شده است، مدتی در مرکز توجه خواهد بود. همین مسئله به خودی خود می‌تواند پیامدهای جدی هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی آمریکا در پی داشته باشد.

یک رئیس‌جمهور مانند هر فرد دیگری ممکن است در رفتار و گفتار خود اشتباهاتی داشته باشد، ولی در شرایطی که در مرکز توجه باشد و اقداماتش پیامد به همراه داشته باشد، از هر رفتار و گفتاری از سوی وی، حتی اگر اشتباه هم نباشد، ممکن است برداشت‌ها و تفسیرهای گسترده‌ای ایجاد شود و این برداشت‌ها و تفسیرها پیامدهای جدی را نه تنها در درون جامعه آمریکا، بلکه در سطح جهانی در پی داشته باشد. بنابراین، با توجه به اینکه نگاه مثبتی نسبت به ترامپ در میان بسیاری از آمریکایی‌ها و جهانیان وجود ندارد و سیاست‌های احتمالی وی با شک و تردیدهای جدی مواجه است، ممکن است هر رفتار یا سخنی از سوی او در حوزه‌ای مختلف پیامدهای جدی به دنبال داشته باشد. برای شخصی به برجستگی رئیس‌جمهور آمریکا، «سخن» مقدمه «اقدام و عمل» شناخته می‌شود و سخنان ترامپ، به ویژه اگر به همان سبک قبلی در دوران ریاست جمهوری ادامه یابد، بر تمامی مسائل آمریکا اعم از مسائل درونی و بیرونی تأثیر خواهد گذاشت.

جامعه آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری اخیر دوقطبی شد و در چنین شرایطی، ترامپ شعارها و وعده‌هایی داده است که در

از دموکرات‌ها، کارزارهای انتخاباتی را از نزدیک دنبال کرده‌اند^۱ و این نشان از اراده و جدیت بیشتر آن‌ها در حمایت از نامزد خود دارد. به ویژه که در برخی از ایالت‌ها به ویژه ویسکانسن، پنسیلوانیا و میشیگان که جزو ایالت‌های معروف به Swing state هستند، دو نامزد آرای بسیار نزدیکی کسب کرده‌اند و اگر دو نامزد ناشناخته دیگری که در این انتخابات بودند و درصد کمی از آراء را به خود اختصاص دادند، نبودند و یا مشارکت کمی بیشتر می‌شد و یا رئیس‌افبی‌آی چند روز مانده به انتخابات، دوباره بحث ایمیل‌های کلینتون را پیش نمی‌کشید، ممکن بود نتیجه انتخابات چیز دیگری بشود. سه ایالت فوق در مجموع ۴۶ رأی الکترال دارند. ترامپ این سه ایالت را با چند صدم درصد برد؛ یعنی اگر چند صدم درصد آراء متفاوت بود، کلینتون رئیس‌جمهور چهل و پنجم آمریکا می‌شد. با وجود این، حتی اگر چنین می‌شد و کلینتون پیروز انتخابات لقب می‌گرفت، باز هم چرایی برآمدن پدیده ترامپ و موفقیت وی در بسیج طیف قابل توجهی از جامعه آمریکا موضوع مهمی می‌بود و مسئله به این سادگی حل نمی‌شد. آن نیرویی که در حمایت از ترامپ، خود را نشان داد، حتی اگر با اختلاف کمی بازنده هم می‌شد، بعید به نظر می‌رسد که آرام می‌گرفت و ظهور و بروز آن در انتخابات‌های آینده مورد سؤال بود. شاید طیفی از نخبگان آمریکایی به این نتیجه رسیده‌اند که به دلایل مختلفی برآمدن ترامپ در جامعه آمریکا اجتناب‌ناپذیر بوده است و اگر در این دوره ترامپ پیروز نمی‌شد، در دوره‌های بعدی ترامپ دیگری ظهور می‌کرد.

اگر چنین تحلیلی به واقعیت نزدیک باشد، روی کار آمدن ترامپ در کوتاه‌مدت ممکن است پیامدهای منفی برای آمریکا در پی داشته باشد، اما پدیده خطرناکی مهار شده است؛ که در بلندمدت در مجموع به سود آمریکاست.

پیامدها و چشم‌انداز تأثیر پیروزی ترامپ بر مسائل آمریکا

ترامپ در طول کارزار انتخاباتی خود شعارهای بزرگی داده است؛ که البته به نظر می‌رسد بزرگی این شعارها به خاطر این بوده که با زبان پوپولیستی مطرح شده‌اند. در واقع، گفتمان ترامپ در دوران کارزار انتخاباتی، پوپولیستی بود و هر آنچه می‌گفت و وعده می‌داد در چارچوب این گفتمان تأویل و تفسیر شده است. به همین دلیل است که هر چه می‌گوید و هر رفتاری که از وی سر می‌زند، جلب توجه می‌کند و واکنش‌هایی در سطوح مختلف داخل و خارج آمریکا را برمی‌انگیزاند. از این پس نیز ترامپ حتی اگر نخواهد یک پوپولیست باشد، بعید است

1. <http://www.gallup.com/poll/189299/presidential-election-2016-key-indicators.aspx>



سلبی و در راستای تخریب میراث رؤسای جمهوری گذشته، به خصوص دموکرات‌ها، به منظور جذب آرای افراد و گروه‌های ناراضی در جامعه آمریکا، مطرح کرده است. خود ترامپ بارها در سخنرانی‌های خود عنوان کرده است که آمریکا به جای «ایدئولوژی» نیاز به «استراتژی» دارد و به نظر می‌رسد منظور وی از استراتژی، برآورد هزینه و منفعت است یعنی سیاست‌های دولت ایالات متحده باید بر مبنای هزینه-فایده باشد. این به معنای آن است که ترامپ در جدال میان ارزش‌ها و منافع، که به‌ویژه در سیاست خارجی آمریکا یک مسئله مهم برای همه رؤسای جمهوری این کشور بوده است، بیشتر به دنبال منافع است. برای نمونه، وی نسبت به اینکه آمریکا هزینه زیادی صرف ملت‌سازی^۱ یا دموکراسی‌سازی در جاهای مختلف به‌ویژه خاورمیانه کرده است، شدیداً انتقاد دارد و معتقد است باید به فکر «ثبات» در جهان بود. بنابراین، بعید است ترامپ برنامه‌ای برای یک تحول انقلابی داشته باشد. اگر فرض را بر این بگذاریم که وی چنین برنامه‌ای نیز داشته باشد، اگر در راستای منافع ملی تشخیص داده نشود، سیستم سیاسی آمریکا که مبتنی بر توازن‌بخشی به قدرت^۲ است، اقدامات او را مهار خواهد کرد.

این البته به معنای آن نیست که ترامپ هیچ تحولی ایجاد نخواهد کرد. به هر حال، هر رئیس جمهوری تلاش می‌کند میراث خودش را داشته باشد و در این راستا، ترامپ نیز ممکن است برنامه جدیدی را در پیش بگیرد یا اگر نیاز باشد، در برنامه‌های گذشته اصلاحاتی ایجاد کند. اما اینکه بخواهد یا بتواند همه اقدامات فوق را عملی نماید، جای تردید قوی وجود دارد. در مجموع، پیش‌بینی می‌شود ترامپ نسبت به دولت‌های گذشته، کمی بیشتر به مهاجران فشار وارد کند؛ با اقلیت‌ها و به‌ویژه مسلمانان به‌مانند دولت‌های گذشته برخورد نکند و کمی سخت‌گیرتر باشد؛ در مورد دیوار در مرز مکزیک، احتمال دارد این کار را پیش ببرد و این چیز عجیبی هم نیست. در واقع، همه کشورها از مرزهای‌شان محافظت می‌کنند و آمریکا نیز ممکن است برای مقابله با مهاجرت غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر چنین کاری را بکند؛ در رابطه با سیستم یا طرح بهداشتی اواما، همان‌گونه که ترامپ اخیراً اعلام کرده است ممکن است اصلاحاتی در آن ایجاد کند، ولی تحول اساسی نخواهد بود؛ در مورد کاهش هزینه‌های آمریکا در حمایت از متحدان، که خواست دولت اواما نیز بوده است، احتمالاً ترامپ تلاش خواهد کرد دوستان و متحدان آمریکا هزینه بیشتری برای دفاع و امنیت خود در نظر بگیرند.

1. Nation-building
1. Checks and balances

درون آمریکا عده‌ای خود را برنده و عده‌ای خویش را بازنده این شعارها و وعده‌ها می‌دانند. اگر ترامپ واقعاً قصد داشته باشد این شعارها و وعده‌ها را به سیاست تبدیل کند و به اجرا بگذارد، پیامدهای آن کمتر از یک انقلاب نخواهد بود. در واقع، اگر ترامپ بخواهد برنامه بهداشتی اواما معروف به Obamacare را لغو کند؛ در مرز مکزیک دیوار بسازد؛ مهاجران غیرقانونی که تعداد آن‌ها بیش از ۱۲ میلیون نفر برآورد می‌شود را اخراج کند؛ اقلیت‌ها و طیف‌هایی از جامعه آمریکا مانند مسلمانان، لاتین‌تبارها، سیاه‌پوستان و زنان را تحت فشار قرار دهد؛ آن‌گونه که وعده داده است در راستای مقابله با لابی‌ها و باندهای فساد در سیاست آمریکا اقدام کند؛ جلوی خروج سرمایه‌ها، سرمایه‌داران و شرکت‌ها از آمریکا را با ایجاد محدودیت‌هایی بگیرد؛ بر واردات تعرفه‌های قابل توجهی وضع کند و تجارت آزاد را به خطر اندازد؛ به سخنان نسنجیده و توهین‌آمیز خود علیه گروه‌های مختلف درون آمریکا ادامه دهد؛ از حمایت آمریکا از متحدانش در جهان پاپس بکشد یا حتی در این مورد تردید ایجاد نماید؛ حضور آمریکا در سازمان‌هایی مانند نفتا، ناتو و... را تعلیق یا حتی تضعیف کند؛ توافق هسته‌ای با ایران را آن‌گونه که وعده داده است کنار بگذارد؛ مسائل موجود در روابط با روسیه را نادیده بگیرد و شروع به دوستی با رهبر این کشور بکند؛ و ورود مسلمانان به آمریکا را منع نماید؛ تردیدی وجود ندارد که پیامدهای این اقدامات چیزی شبیه یک انقلاب برای آمریکا خواهد بود.

اگر ترامپ ایدئولوژی یا تفکر مشخصی داشت و همه این بحث‌ها را در چارچوب آن مطرح می‌کرد، احتمال اینکه ممکن بود تحولی اساسی ایجاد کند، وجود داشت. اما مسئله این است که ترامپ این مسائل را به‌صورت کلی، متناقض و پراکنده و به‌ویژه عمدتاً به‌صورت

کرد. برآمدن ترامپ و چرایسی آن، یکی از برجسته‌ترین موضوعات مطرح در محافل رسانه‌ای و کارشناسی، طی یک سال گذشته و به‌ویژه پس از پیروزی او در انتخابات، بوده است و از منظرهای مختلف (جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه، اقتصادی، سیاسی و...)، تحلیل‌های گسترده‌ای در این مورد مطرح شده است.

در حال حاضر نیز عمدتاً بحث‌ها به این سمت رفته است که پیامدهای انتخاب ترامپ چه خواهد بود و چشم‌انداز تأثیرگذاری این انتخاب بر مسائل آمریکا و جهان ممکن است چگونه باشد. هیچ‌کس هم نتوانسته و نمی‌تواند به این سؤالات پاسخ روشنی بدهد و این ممکن است در مورد خود ترامپ و تیم او نیز صادق باشد. به هر حال، ترامپ تجربه فعالیت دولتی ندارد و الگو و برنامه مشخصی نیز ارائه نکرده است. صرفاً در طول کارزار انتخابات، شعارها و وعده‌هایی داده است که اغلب پراکنده، متناقض و کلی هستند. بنابراین، به نظر می‌رسد دولت ترامپ بیش از آنکه با برنامه منسجم و مشخصی کار خود را شروع کند، تابع تحولات و روندها باشد؛ همان‌گونه که دولت‌های قبلی آمریکا نیز بخش مهمی از دستور کار خود را مبتنی بر مسائلی که پیش آمده است، تنظیم کرده‌اند. در مجموع به نظر می‌رسد پس از گذار از فضای انتخابات و استقرار رئیس جمهوری جدید در کاخ سفید، همگان متوجه خواهند شد که بین هیاهوهای انتخاباتی و واقعیت‌های عرصه عمل تفاوت وجود دارد و کسی که همه را نابکار و ضعیف و خود را قوی و کاردان و گذشته و اقدامات دیگران را «فاجعه» و خود را قهرمان دوباره ساختن همه چیز معرفی کرده است، در نهایت باید بر اساس واقعیات، حکمرانی کند.

ترامپ دیوارهای تعرفه‌ای ایجاد نخواهد کرد و تجارت آزاد را محدود نمی‌کند، اما به طرف‌های تجاری آمریکا فشار وارد خواهد کرد تا در صادرات خود به آمریکا نوعی سیاست و اقدامات خود-محدودیتی^۱ را در پیش بگیرند (مانند کاری که آمریکا در دهه ۱۹۹۰ با ژاپن کرد) تا کسری تجاری آمریکا در برابر آن‌ها تعدیل شود؛ توافق هسته‌ای با ایران را از بین نخواهد برد، ولی ممکن است مانند دوره اواما تمایل به اجرای آن وجود نداشته باشد یا سعی کند به شکل سخت‌تری آن را اجرا کند. در این صورت، بیشتر «روح برجام» آسیب می‌بیند تا خود برجام؛ در رابطه با روسیه هم ممکن است بهبودهایی در روابط دو طرف اتفاق بیفتد، ولی باید توجه داشت که وقتی منافع دو قدرت بزرگ متفاوت باشد، تلاش افراد نمی‌تواند تنش‌های اساسی را از بین ببرد. جورج دبلیو بوش در مبارزات انتخاباتی خود (در مقابل ال‌گور) به دولت بیل کلینتون انتقاد می‌کرد که چرا نیروهای آمریکایی را برای ملت‌سازی و دموکراسی‌سازی به خارج می‌فرستد و به شدت مخالف مداخله‌گرایی بود، ولی همگان دیدند که در تمام دوران ریاست جمهوری او آمریکا در جنگ بود. این نشان می‌دهد بخش مهمی از رویکرد رؤسای جمهوری آمریکا در برخورد آن‌ها با محیط و شرایط موجود شکل می‌گیرد. دولت ترامپ نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ به‌ویژه که وی تجربه کار حکومتی نداشته و به نظر می‌رسد برنامه مشخص و کاربردی، که مبتنی بر اولویت‌های مشخص و واقعیت‌های محیطی باشد، هم ندارد.

نتیجه‌گیری

انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا، هم از نظر شخصیت و خطومشی برخی کاندیداها و هم از لحاظ طرح مسائل جنجالی و فضای دوقطبی که در پی آن در جامعه آمریکا ایجاد شد، شگفت‌انگیزترین انتخابات تاریخ این کشور لقب گرفته است. ترامپ و سندرز دو پدیده از منتهی‌الیه دو حزب بزرگ آمریکا ظهور کردند و بسیاری از هنجارها، سنت‌ها و الگوهای سیاسی حاکم بر آمریکا و احزاب را شکستند. آن‌ها بحث‌های جدیدی را مطرح نموده و طیف‌ها و گروه‌های زیادی را جذب کارزارهای خود کردند. دموکرات‌ها توانستند سندرز را مهار کنند، اما زور جمهوری خواهان به ترامپ نرسید و وی با شکست قاطعانه رقبای حزبی خود، نامزد نهایی حزب لقب گرفت. در انتخابات نهایی نیز برخلاف انتظارات و پیش‌بینی‌ها، ترامپ با کسب تعداد آرای اکثرال بیشتر و البته «رأی مردمی» کمتر، چهل و پنجمین رئیس جمهور ایالات آمریکا شد و به این ترتیب، شگفتی‌های این انتخابات را تکمیل



1. Self-restraint